

بسم الله الرَّحْمَن الرَّحِيم

بعد الحمد والصلاة

مقاله :

عدالت، عدالت اجتماعی، اقتصادی

عنوان مقاله :

مبانی عدالت از دیدگاه اسلام و غرب

پژوهشگر: اعظم اسمعیلوندی

مدرسه : حضرت زینب (علیها السلام)

شهرستان ایذه

چکیده

عدالت مفهومی اصیل است که تمامی مکاتب الهی و بشری با توجه به اهمیتش در مورد آن نظریه پردازی های متفاوتی کرده اند. در میان این مکاتب، مکتب اسلام به عنوان آخرین دین الهی که برنامه ای جامع برای سعادت بشر ارائه کرده است و منابع آن از کمترین تحریف برخوردار بوده اند از یک طرف و مکتب غرب که امروزه در بیشتر کشورهای توسعه یافته به عنوان مکتب فکری غالب پذیرفته شده است و مدعی به ارمغان آوردن سعادت برای انسان میباشد، نیز از طرف دیگر، نظریات فراوانی در باب حوزه عدالت ارائه داده اند. در همین راستا بررسی نظریات این دو طیف و مقایسه آن ها با یکدیگر میتواند به غنای بیشتر این حوزه فکری کمک نماید. این مقاله نیز سعی دارد تا با بررسی این دیدگاه ها به برخی از این تفاوتها بخصوص در حوزه مبانی و بنیان های فکری پرداخته و قسمتی از این تفاوتها را بیان نماید. نتایج این تحقیق نشان میدهد که مکتب اسلام و غرب حداقل در پنج حوزه فکری با هم تفاوت های بنیادین دارند.

کلیدواژه ها : مفهوم عدالت، عدالت در غرب، عدالت در اسلام

مقدمه

سخن گفتن از عدالت به آفرینش و خلقت انسان باز می‌گردد، دیده‌ها و شنیده‌ها حاکی از آن هستند که در طول تاریخ سخن نهایی بسیاری از انقلاب‌ها، شورش‌ها و جنگ‌های میان ظالم و مظلوم و غنی و فقیر سخن عدل و برپایی عدالت است. با بی‌عدالتی در جهان حاضر بطور محسوسی در بطن جوامع رخنه کرده و طلیف طرفداران عدالت و اجرای آن روزبه‌روز گسترده‌تر می‌شود. با آن که تمامی جوامع پی‌گیرندگی اصلی قوانین خود را بر پایه عدالت بنا می‌کنند اما این موضوع فقط در بیان دیده شده و در عمل هیچگاه دیده نشده که عدالت هر چیزی را جای خود قرار داده باشد و جامعه آرمانی انسانی شکل گرفته باشد.

عدالت به نحوی به ایجاد و تعادل باز می‌گردد، تعادل میان اهداف زندگی انسانها، به گونه‌ای که تمامی افراد یک جامعه را بتوان در شادی، رفاه، ثروت عمومی و.. سهیم کرد.

با این حال مبحث عدالت مبحثی صرفاً نظری نیست بلکه اساساً معطوف به عمل می‌باشد؛ بار این اساس می‌توان گفت که موضوع اصلی آن تعیین مالک برای داوری درباره اعمال متقابل آدمیان در سطوح و حوزه‌های گوناگون است. مفهوم عدالت هنگامی در تصور آدمی شکل می‌گیرد که پرسش از به زیستی در اندیشه او نمود یابد. در واقع زندگی بهتر در سطوح فردی و جمعی متضمن مفهومی از عدالت است.

بر این اساس عدالت قلب هر نظریه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است و اگر ما دیدگاه روشن و تئوری مدوّن‌ی در باب عدالت نداشته باشیم، بدیهی است که سیاست، اقتصاد و اجتماع و نظریه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ما هم از عمق کافی برخوردار نخواهد بود.

میان ابعاد گوناگون مفهوم عدالت، عدالت اقتصادی با عناوین یکی از محوری‌ترین اصول نظام‌های اقتصادی اهمیت و نقش ویژه‌ای دارد.

البته به علت درهم تنیدگی مسائل اجتماعی و اقتصادی، برخی متفکرین نظیر افلاطون برای عدالت اقتصادی از واژه عدالت اجتماعی نیز استفاده کرده اند. عدالت اقتصادی به معنای برابری نیست بلکه به معنای پذیرش برخی نابرابری های اقتصادی و اجتماعی است .

با توجه اینکه اسلام نابترین و آخرین دین الهی بوده و تعالیمی برای تمامی زمان ها و مکان ها ارائه داده است، مطالعه عدالت و راهکارهای آن از دید منابع اصیل اسلامی میتواند راهنما و راهگشای هر مسیری بوده و یک میزان برای معرفی مفهوم عدالت و جایگاه آن ارائه کند .

باید اذعان داشت که اهمیت جایگاه مفهوم عدالت تنها به جهان اسلام منتهی نمیگردد. هر چند که سایر جوامع در عزم خود مبتنی بر نشان دادن عدالت بر قله اهداف خود آنچنان که باید و شاید راسخ نبوده اند، اما اندیشمندان و مبتکران سایر ملل نیز به موضوع عدالت پرداخته و اهمیت آن را مورد بررسی خود قرار داده اند در واقع هدف از این مطالعه، بررسی و تحقیق در باب نظرات گوناگون اندیشمندان اسلامی و غربی در حوزه مفهوم عدالت و مقایسه نقطه نظرات این دو قطب میباشد.

لذا در ابتدا پس از مرور متون اصیل اسلامی، برخی از مهمترین عقاید اندیشمندان و فیلسوفان اسلامی و غربی را به طور مختصر بیان خواهیم کرد و از میان آن ها، مهمترین گزاره های نگارش اسلام و غرب را استخراج خواهیم نمود و در ادامه تفاوت های اصلی آن ها را با یکدیگر مورد بحث قرار خواهیم داد .

عدالت از منظر منابع اصیل اسلامی

1. عدالت در قرآن

قرآن به عنوان بزرگترین منبع اصیل الهی و اسلامی عدالت را محور تمامی رهنمودها و آموزه های خود قرار داده است. در واقع سخن از عدل و عدالت در قرآن به قدری فراوان و مورد تأکید است که دیگری می‌تواند ولی می‌تواند در اینجا به برخی از این موارد به عنوان نمونه اشاره پرداختن به آن مقاله کرد.

خداوند تعالی در این کتاب آسمانی می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» / همانا ما پیغمبران خود را با ادله و معجزات به حق برایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند سوره حدید، آیه 22 .

در این آیه خداوند استقرار عدالت را یکی از مهمترین اهداف انبیاء و ائمه اطهار و دلیل بعثت آنان معرفی می‌کند. در قرآن آمده است که خداوند جهان هستی را بر اساس عدالت استوار کرده و چون عدل صفتی است از صفات الهی بنابراین در عین واقعی بودن و کامل بودن، یکی از اصول آفرینش نیز می‌باشد.

از منظر قرآن، عادل به مثابه صفت و ملکه انسانی و اجتماعی ریشه در فطرت انسانها دارد. بدین معنا که در نهاد آدمی و در اساس خلقت او گرایش به عدالت و عدالت خواهی، تنفر از ظالم و ستم، بی‌عدالتی و تبعیض وجود دارد .

تفسیرهای صورت گرفته توسط برخی از بزرگان حول محور عدالت اقتصادی بیانگر آن است که قرآن کریم به طور مجدانه بر عدالت اقتصادی پافشاری می‌کند و رعایت عدالت را در تمام تعاملات و تبادلات اقتصادی افراد ملزم میدانند. همچنین در ذیل این آیه در تفسیر المیزان، به نقل از برخی مفسران آمده است که معنای آیه این است: ما ترازو را نازل کردیم تا مردم را به عدالت در معاملات خود عادت دهیم ؛

مقایسه مفهوم عدالت اقتصادی و اجتماعی در اسلام و غرب

اول؛ شاید اولین و مهمترین تفاوت در نظام غرب و اسلام این باشد که در اسلام عدالت ماهیتی دینی و زیربنایی مذهبی دارد و به علت نقش مذهب، بنیان های محکمی برای آن از طرق مختلف عقلی و فلسفی ذکر و اثبات شده است. به بیان دیگر در مکتب توحیدی اسلام، عدالت بخشی از یک دستگاه فلسفی - اعتقادی است که فقط در آن مجموعه قابل طرح و قابل درک است. این امر در حالی است که در غرب زیربنای عدالت، اخلاق معرفی میشود، از طرف دیگر اخلاق در غرب بنا به اذعان بسیاری از متفکرین؛ بدون در نظر گرفتن مذهب، فاقد زیربنای محکم میباشد. پس به تبع آن عدالت ناشی از آن نیز از مبنا و پایه های محکم فکری برخوردار نمیشد.

دوم؛ عدالت از منظر مبانی دین اسلام یک ارزش مطلق است و خود به عنوان یک معیار مقایسه و سنجش و میزان در نظر گرفته میشود و مبنای سنجش موفقیت یا عدم موفقیت یک نظام اجتماعی میباشد. به عبارت دیگر با پذیرش اصل عدالت به عنوان یک شاخص و مالک میتوان به ارزیابی برداشت

های خود درباره خلیلی از امور دست زد ولی در غرب واژه عدالت و ادبیات آن به عنوان یک ارزش نسبی مورد توجه قرار میگیرد. از اینرو میتوان بیان داشت که اگرچه خود غربی ها به طور کامل از مقوله عدالت غافل نیستند، اما همین توجه آنان نیز با دیدگاهی کاملاً ارزشی صورت نمیگیرد و با یک دید نسبی، تمام برنامه ریزی ها و اقدامات خود را بر پایه ابزار و لیا وسیله ای برای رسیدن به خواسته هایشان تعریف میکنند. به عنوان مثال آنچه که در مقام سیر تحول و تکامل مبانی مدیریتی هیچگاه از تفکرات جامعه غارب فراموش نشده و حتی مورد توجه هم قرار گرفته است این است که باید راه حلهایی ماورد استفاده قرار گیرد که حداکثر استفاده از نیروی کار صورت پذیرد آنچنان که در بحث حسابداری صنعتی و حسابداری مدیریت و کتب علمی این درو، هزینه دستمزد به عنوان یک هزینه متغیر طبقه بندی میشود به این معنا که با کاهش حجم تولید لیا فعالیت یک بنگاه اقتصادی غربی، بر اساس آموزه های مدیریت هزینه، ملبایست بلافاصله نسبت به اخراج نیروی کار مازاد و تعدیل هزینه اقدام کند؛ بنابراین دیدگاه غرب به انسان و نیازهای او و برقراری عدالت بین این دو دارای یک ارزش نسبی است و این مثال به نگاه و ارزش نسایی مفهوم عدالت در تفکار غربی صحه میگذارد.

سوم؛ عدالت در اسلام یک مفهوم و اصل اولیه و فارغ از مناسبات و عرف های اجتماعی است که در نهاد بشر و فطرت او جای دارد. به عبارت بهتر عدالت در این مکتب اصل پیشایینی و لیاک مفهوم تکوینی اصلیل است. این امر به وضوح در عدم تغیلیر تعاریف از عدالت در بین اندیشمندان مسلمان متقدم و متأخر مشخص است، در حالیکه در غرب، عدالت مفهومی اعتباری و قراردادی به خود گرفته است و کاملاً به مناسبات و شرایط اجتماعی بستگی دارد. به بیان دیگر این واژه در هر زمان و در هر عرصه اجتماعی و سیاسی بسته به موقعیت ها و شرایط موجود و لیا در مواقع تثبیت لیا عدم تثبیت شرایط اقتصادی مفهومی متفاوت به خود گرفته و میگیرد.

چهارم، در مکتب اسلام عدالت به معنای حقیقی آن وقتی قابل وصول است که بر مبنای عقل و منطق و بر پایه ابعاد نیازهای فطری و ارزش های الهی که فراتر از مادیات و فراتر از انگیزه های خودخواهانه فردی و بشری است، استوار گردد. در نظام و مکتب اسلام حق جامعه نسبت به حق فرد در اولویت قرار دارد و این حقوق محترم شمرده میشود و مبنای ارائه تعریف مفهوم عدالت قرار میگیرد. ولی در غرب با

توجه به زیربنای اومانیتی آن، تنها حق فرد محترم شمرده میشود و عدالت نیز تنها به همین مبنا تعریف شده و حقوق سایر افراد هیچکدام مستقل نمیتواند در مقابل حقوق فرد قرار گیرد.

در واقع نوعی مطلق انگاری و اصالت حقوق فردی در برابر حقوق جمعی مطرح است، که این مبنای عدالت در مکاتب لیبرال غربی وجود دارد!

پنجم؛ عدالت در اسلام خود یک هدف است و افراد باید برای رسیدن و نیل به این صفت الهی تلاش کنند و همه افراد وظیفه تأمین آن را برعهده دارند.

در حالی که در غرب هدف تأمین تمایلات شخصی افراد و بهبود وضعیت رفاهی او است و بدین منظور از عدالت به عنوان رسیدن به خواسته هایشان استفاده میکنند. به بیان دیگر عدالت در نظر آنان ابزاری است برای دستیابی به خواسته ها و غرایز درونی .

نتیجه گیری

همانطور که مشاهده میشود تفاوت ها و ویژگی های متفاوتی در حوزه های مختلف در مورد مبحث عدالت وجود دارد.

از یک سو مکتب اسلام به عنوان آخرین دین الهی، ویژگی های خاصی برای عدالت در نظر گرفته و اجرای آن را ضامن تحقق سعادت جامعه معرفی میکند و از ساوی دیگر، غرب با برداشتی مادی از عدالت، آن را یکی از راه های بهره برداری بهتر از منابع و تأمین نیازهای انسان معرفی میکند .

در همین راستا و همانطور که بیان شد، عدالت در اسلام ماهیتی دینی و زیربنایی دارد و به همین دلیل بنیان های محکمی برای آن از طرق مختلف عقلی و فلسفی ذکر و اثبات شده است، در حالیکه در غرب با اخلاق معرفی شدن زیربنای عدالت و قائل بودن به نسبی بودن اخلاق، عدالت نیز از زیربنای

برخوردار نمیشود .

به همین دلیل است که در تعاریف متفکرین اسلامی از عدالت در طول تاریخ تفاوت چندانی به چشم

نمی‌خورد ولی در دیدگاه اندیشمندان غربی عدالت مفهومی اعتباری و قراردادی است و کاملاً به مناسبات و شرایط اجتماعی بستگی دارد. از سوی دیگر در نگرش اسلامی، عدالت نه تنها یک ارزش مطلق است و به عنوان مبنای سنجش موفقیت یا عدم موفقیت یک جامعه معرفی می‌شود، بلکه هدف یک نظام اجتماعی هم هست؛ اما در مکتب غرب، رفاه مادی بشر به عنوان سنجش و معیار نظام اجتماعی معرفی می‌شود و عدالت تنها وسیله‌ای برای دستیابی به این هدف یعنی رفاه مادی بشر معرفی می‌شود.

تمّ الکلام والتحقیق

الحمد لله ربّ العالمین
و عجلّ فی فرّج مولانا الحجّة بن الحسن
و احفظ و الیّد امامنا الخامنه ای

مآخذ و منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

موسوعة کلمات الامام

مجله اقتصاد اسلامی

شرح غررالحکم و دررالحکم

فصلنامه نقد و نظر

تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک

اندیشه سیاسی آیت الله مطهری

نقد و بررسی نظریه های عدالت

اسلام و مقتضیات زمان

عدل الهی

لویاتان